

یک جنگ، چند مقایسه



سیدمهدی طالبی
پژوهشگر حوزه بین‌الملل

انقلاب اسلامی باعث شد تا پس از هر مقطع مهم، ایران به توانمندی بزرگتری برسد؛ برخلاف گذشته که در هر نوبت، ایران بخشی از خاک، اقتصاد، جمعیت و توان نظامی خود را از دست می‌داد.

این گزاره درباره وقایع مرتبط با جنگ خرداد و تیر ماه سال جاری صادق‌اند. طی چند ماه گذشته رسانه‌های غربی به نقل از منابع اطلاعاتی اعلام کردند برنامه بازسازی نیروهای مسلح ایران با سرعت ادامه داشته و با جبران زیان‌های جنگ ۱۲ روزه، قدرت ایران به همان سطح و یا بیشتر از آن زمان رسیده است. در این میان «دونالد ترامپ»، رئیس‌جمهور آمریکا و «بنیامین نتانیاهو»، نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی هرچند برای «امنی‌سازی» و «تهدید نشان دادن» ایران از افزایش توان موشکی صحبت کرده‌اند، اما خبری که داده‌اند منطق بر شواهد متعددی است که از سوی منابع رسمی و داخلی ایران تایید شده است.

امیر سرلشکر حاتمی، فرمانده کل ارتش روز گذشته (۱۱ بهمن ۱۴۰۴، ۳۱ ژانو به ۲۰۲۶) به این موارد اشاره کرد. سرلشکر حاتمی که در جشنواره «جوان سرباز نیروهای مسلح» حضور یافته بود، با تشریح مسائل روز اعلام کرد «چه در حوزه قدرت موشکی، چه قدرت پدافندی و چه در سایر ابعاد دفاعی، جمهوری اسلامی ایران نسبت به قبل از جنگ تحمیلی ۱۲ روزه در موقعیتی برتر و با کیفیت بالاتر قرار دارد.» او درباره این رشد تأکید کرد: «این ارتقا نتیجه شناختی است که در جریان این جنگ به دست آوردیم؛ شناختی منحصربه‌فرد که حاصل درگیری مستقیم با جنگ‌ترکیبی، علم و فناوری دشمن بود.» فرمانده ارتش در توصیف درس‌هایی که از جنگ گرفته شد، گفت: «حتی کشور روسیه که بیش از سه سال است با مجموعه کشورهای ناتو درگیر است، تجربه‌ای مشابه تجربه ۱۲ روزه جمهوری اسلامی ایران را ندارد.»

چرا تجربهٔ ایران بیشتر از روسیه است؟

ایران کمتر از دو هفته درگیر جنگ بود، اما روسیه بیشتر از سه سال است که درگیر جنگ بوده و کماکان این نبرد ادامه دارد. تجربه بالاتر این دو هفته در قیاس با جنگ طولانی‌مدت اوکراین، دلایلی دارد:

۱ روسیه با اوکراینی وارد جنگ شد که در ابتدا از سلاح‌های قدیمی شوروی سابق بهره می‌برد و علی‌رغم دریافت حجم وسیعی از تسلیحات غربی در طول جنگ، نتوانست پیشرفته‌ترین سلاح‌های ساخت غرب را دریافت کند. رژیم صهیونیستی در حمله به ایران دست‌کم ۴۰ جنگنده نسل پنجم و رادارگریز اف-۳۵ داشت، اما اوکراین از جنگنده‌های قدیمی و ارتقایافته دوره شوروی استفاده می‌کرد. در ماه‌های گذشته تعدادی اف-۱۶ از رده خارج کشورهای اروپایی که در انبار و یا شرف بازنشستگی بودند، به این کشور تحویل شده است، اما این جنگنده‌ها قابل مقایسه با نمونه‌های در اختیار رژیم نیستند. در قیاس با اوکراین، رژیم صهیونیستی دارای ده‌ها جنگنده از انواع پیشرفته اف-۱۶ و اف-۱۵ است. مهم‌تر آن‌که به مدت دوده تل‌ویو در کنار ناتو به برگزاری تمرین و رزمایش برای عملیات دوربرد پرداخته است.

از نظر پدافند هوایی، گرچه اوکراین چند سامانه پیشرفته ضد موشکی پاتریوت دریافت کرده، اما این سامانه اوج فناوری آمریکا نیست. کی‌یف تاکنون سامانه تاد که پیشرفته‌تر بوده و در زمینه مقابله با موشک بالستیک تخصصی‌تر است را تحویل نگرفته، اما رژیم صهیونیستی با سرمایه‌گذاری و فناوری آمریکا، سامانه پیکان-۳ را تولید کرده و تاد را هم در اختیار دارد.

در حوزه موشکی اوکراین برای حمله به عمق روسیه به تازگی از موشک‌های کروز ساده‌ای استفاده کرده است که ابعاد بزرگی داشته و به همین دلیل راحت‌تر قابل شناسایی هستند. درمقابل، رژیم صهیونیستی دارای طیف

وسعی از موشک‌های کروز و بالستیک هوایرتاب با بردهای مختلف است. مواجهه ایران با اوج فناوری غرب در میدان واقعی، باعث شد تا ویژگی چنین سلاح‌هایی کشف شوند.

۲ روسیه تاکنون تنها با اوکراین درگیر بوده، اما در جریان جنگ ۱۲ روزه، آمریکا به طور مستقیم وارد عرصه شد. در روزهای آخر جنگ و با گرفتاری رژیم صهیونیستی، واشنگتن برای ساخت روایت پیروزی برای روزهای پس از جنگ، سه مورد از تأسیسات هسته‌ای ایران را بمباران کرد که در انتقام، تهران و گروه‌های مقاومت عراقی تجهیزات راداری موجود در پایگاه آمریکا در قطر و عراق را هدف قرار دادند.

۳ روسیه طی بیش از سه سال جنگ نتوانسته طرف مقابل را وادار به آتش‌بس کند، اما سپس از جنگ ۱۲ روزه، آمریکا و رژیم صهیونیستی هردو درخواست آتش‌بس کردند. روسیه در برابر اوکراین و غرب دارای سلاح‌های بازدارنده هسته‌ای است، اما شرایط متفاوتی دارد.

چرا ایران موفق‌تر عمل کرده است؟

نمی‌توان منکر تفاوت در کمیت و کیفیت تسلیحاتی میان ایران و روسیه شد، اما میدان جنگ از عوامل متعددی تأثیر می‌پذیرد.

صدامی نیست؛ اما زلنسکی هست

با وقوع انقلاب اسلامی در ایران، غرب با فریب دولت صدام حسین دیکتاتور عراق، او را وادار به نبردی ۸ ساله با ایران کرد، اما آنچه بر سر صدام و آمریکا در منطقه آمد، دیگر دیکتاتورهای منطقه را هوشیار کرده که پنجه در پنجه کردن با ایران چه مصیبت‌هایی در کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت دارد. روسیه امروز درگیر همان وضعیتی است که ایران با صدام

اسناد جدید اپستین علیه رئیس‌جمهور آمریکا در حدی فاجعه‌آمیز است که نمی‌توان همهٔ آن‌ها را در روزنامه نوشت

ترامپ؛ کینگ آف پلی بوی

ادامه از صفحه یک

بفرمایید سیستم قضایی مستقل آمریکایی

روایت پرونده اپستین در ابتدا با فاش شدن یک سند مهم جان گرفت و آن سند، پیش‌نویس کیفرخواست سال ۲۰۰۷ است که سال‌ها مخفی نگاه داشته شده بود. این سند ۵۶ صفحه‌ای با ۳۲ بند اتهامی، عمق فاجعه‌ای را نشان می‌داد که دادستان‌های فدرال در آن زمان از آن آگاه بودند، اما تصمیم گرفتند چشمشان خود را بر آن بینند.

در این کیفرخواست، اپستین متهم شده بود که شبکه‌ای برای شکار دختران نوجوان، حتی تا سن ۱۴ سالگی، ایجاد کرده است. او یکی از قربانیان ۱۶ ساله خود هشار داده بود که اگر حرفی بزند، «اتفاقات بدی» برایش خواهد افتاد. با این حال، نظام قضایی آمریکا به جای اجرای عدالت، در سال ۲۰۰۸ معامله‌ای ننگین رقم زد. الکساندر آکوستا، دادستان وقت که بعدها در دولت ترامپ به مقام وزارت رسید، اجازه داد اپستین به جای ده‌ها زندان، تنها ۱۳ ماه را در یک بازداشتگاه محلی بگذراند، آن هم با اجازه خروج روزانه برای کار در دفتر شخصی‌اش.

همه هستند

در مرکزیت این طوفان سیاسی، مسئله وخامت اخلاقی سیاستمداران آمریکایی خوندنمایی می‌کند. درمیان اسناد جدید گفته می‌شود بیش از ۴۵۰۰ سند مستقیماً به دونالد ترامپ اشاره دارد. علی‌رغم انکارها، انفی‌آی در گزارش‌های خود بیش از ۱۲ مورد گزارش مردمی درباره سوءاستفاده‌های جنسی مشترک اپستین و ترامپ را ثبت کرده بود. ایمیل‌های افشاشده از دفتر اپستین نشان می‌دهد که او مدعی شده بود ترامپ در باره دخترها چیزهایی می‌دانست و ساعت‌ها در خانه او با قربانیان سپری کرده است. حتی ردپای ملانیا ترامپ همسر ترامپ و جرد کوشنر، داماد او نیز در این میان دیده می‌شود. ایمیلی از سال ۲۰۰۲ با امضای «با عشق، ملانیا» خطاب به گیلین مکسول، دست‌راست اپستین یافت شده که در آن از عکس مکسول در یک مجله تمجید شده و برای دیدار مجدد در نیویورک ابراز اشتیاق شده است. این در حالی است که جمهوری‌خواهان همواره با تظاهرات دینی و شعار دفاع از ارزش‌های خانوادگی به میدان می‌آیند، اما این اسناد نشان می‌دهد که در خلوت، جمهوری‌خواهان بر سر تجاوزات و تعرضات نیز با دموکرات‌ها رقابت دارند.

در سوی دیگر میدان، دموکرات‌ها نیز به همان اندازه آلوده این شبکه بودند. بیل کلینتون که نامش در اسناد داخلی افبی‌آی به عنوان فردی حاضر در فعالیت‌های جنسی ذکر شده، همچنان یکی از چهره‌های جنجالی این پرونده است. فشارها بر خانواده کلینتون به قدری بالا گرفته که کمیته نظارت مجلس نمایندگان پیشنهاد اتهام توهین به کنگره را برای بیل و هیلاری کلینتون به دلیل امتناع از شهادت در این

داشت، اما امروز تهران به دلیل پیگیری سیاست «تعقیب متجاوز» و نقش‌در طراحی نابودی رژیم بعث عراق، به نوعی بازدارندگی دست یافته تا هیچ‌یک از همسایگان دارای مرز خاکی با کشور به فکر توطئه نیفتند.

آمادگی دائمی

ایران در طیف وسیعی از نبردهایی که علیه‌اش شکل گرفته‌اند، فعالانه حضور یافته و خود را به گونه‌ای با شرایط منطبق کرده که موفق شده با هزینه‌هایی اندک، میلیاردها و در مواردی تریلیون‌ها دلار هزینه دشمن را بی‌اثر سازد. این نکته باعث شده دشمن هیچ‌گاه مقابل خود را خالی از نیروهای مقاومت ندیده و نتواند به راحتی مستقر شده و تحرک کند.

پاسخ مستقیم

روسیه با وجود قدرت خود در موارد لازم از رویارویی مستقیم با آمریکا خودداری کرده است، اما ایران نشان داده با نقض حاکمیتش، ملاحظه‌ای نسبت به اصل پاسخ انتقام‌جویانه به این کشور ندارد.

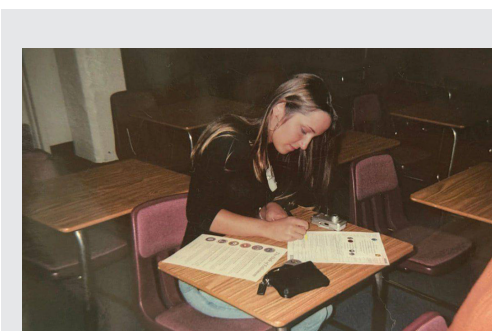
مراکز اتکای نقطه‌ای دشمن

دشمن در منطقه نقاط اتکایی کاملی برای تهاجم طولانی مدت به ایران ندارد. روسیه با اوکراین ۶۰۰ هزار کیلومتر مریمی و ارتش ۸۰۰ هزار نفری از روبه‌روست و پشت این کشور، اروپا قرار دارد. در مقابل ایران اما رژیم صهیونیستی است که از ۲۲ هزار کیلومتر مربع وسعتش، تنها در ۶ هزار کیلومتر آن (معادل نیمی از وسعت استان تهران) متمرکز شده و بسیار آسیب‌پذیر است. آمریکا خود نیز چند پایگاه بزرگ در منطقه دارد که «مارکو روبیو» وزیر خارجه ترامپ تعدادشان را ۹ مورد اعلام کرده است. قوای آمریکا در این پایگاه‌ها متمرکز بوده و دسترسی به کشور، جغرافیا و یک ملت در نزدیکی خاک ایران برای مدیریت نبرد طولانی مدت ندارند.

جدال پدوفیل‌ها

چالش‌های ترامپ در پرونده اپستین خلاصه نمی‌شود و در سطح داخلی معضلات زیادی پیش پای دولت اوست. در همین حال، رؤسای‌جمهور پیشین دموکرات آمریکا سکوت خود را شکسته و وارد میدان شده‌اند. ترامپ مدعی است اسناد تازه افشاشده در باره پرونده «راشاگیت» (ادعای دخالت روسیه در انتخابات ۲۰۱۶ آمریکا برای کمک به پیروزی ترامپ) نشان می‌دهد او با ما شخصاً دستور جعل اطلاعات علیه او و تضعیف پیروزی‌اش در انتخابات ۲۰۱۶ داده؛ ادعایی که او آن را «تلاش برای کودتا» توصیف کرده است. درمقابل، باراک اوباما و همسرش میشل بدون اشاره مستقیم به اتهامات ترامپ، با صدور بیانیه‌ای تند، عملکرد دولت فعلی و نیروهای فدرال به‌ویژه مأموران مهاجرت را زیر سؤال برده و خشونت‌های اخیر از جمله کشته‌شدن شهروندان آمریکایی به دست نیروهای فدرال را «زنک خطر برای ارزش‌های بنیادین آمریکا» خوانده‌اند.

بیل کلینتون و کامالا هریس نیز در مواضعی همسو، با هشدار درباره از دست رفتن آزادی‌های تاریخی آمریکا، اقدامات دولت ترامپ را تهدیدی مستقیم علیه دموکراسی دانسته و تلویحاً از مردم خواستند در برابر آنچه «لغزش خطرناک قدرت» می‌خواند، واکنش نشان دهند. هم‌زمان، جو بایدن نیز با تجلیل از معترضان، سرکوب‌های اخیر را نشانه فاصله گرفتن دولت از هویت و ارزش‌های آمریکایی توصیف کرده است. مجموع این مواضع به‌عنوان تشدید فشار سیاسی هماهنگ از سوی چهره‌های اصلی حزب دموکرات علیه ترامپ تعبیر می‌شود.



در آن جامعه هیچ احترامی برای زنان وجود ندارد

زمانی که ویلیامز و چند زن دیگر -از جمله زنی که مدعی تلاش برای جلوگیری از یک تجاوز بود و زنی که متوجه شده بود همسرش با هویت جعلی هم‌زمان ازدواج دیگری نیز داشته- از این وضعیت شکایت کردند، واکنش یگان صرفاً نمابشی بود. بخش ضدجاسوسی وانمود می‌کرد در حال رسیدگی است تا شاکیان آرام شوند؛ اما در عمل هیچ اقدام مؤثری صورت نگرفت و فرمانده یگان حتی حاضر نشد با آن‌ها دیدار کند. به گفته ویلیامز، این فضای سمی پنهان نبود حتی بهای ورود به این «جامعه بسته» محسوب می‌شد. یکی از نیروهای عملیات روانی که با این ساختار همکاری کرده بود صراحتاً گفته بود «در آن جامعه هیچ احترامی برای زنان وجود ندارد». برخی نیروهای ناراضی در خلوت از «فضای بانندی» و غیر رسمی این محیط صحبت می‌کردند، اما هیچ کدام حاضر به ترک آن نبودند. مزایایی مانند ساعات کاری انعطاف‌پذیر، دسترسی به مأموریت‌های خاص و جایگاه نخبه، از نظر آن‌ها ارزش پرداخت این هزینه‌های اخلاقی را داشت. ویلیامز نقل می‌کند که بسیاری از آن‌ها ترجیح می‌دادند «بمیرند تا اینکه به ارتش معمولی بازگردند.»

نکند در تصادفی بمیرم که در واقع تصادف نبوده است؟

نقطه اوج این واقعیت تلخ، زمانی رخ داد که ویلیامز درباره احتمال اعزام به مأموریت خارجی پرس و جو کرد. فرمانده یگان اطلاعاتی ابتدا با خنده‌ای عصبی واکنش نشان داد و سپس بدون هیچ ملاحظه‌ای گفت او اساساً به‌دلیل جذابیت‌هایش استخدام شده است. او حتی اضافه کرده بود اگر اعزامی در کار باشد به این دلیل است که نیروها قصد تعرض به او را خواهند داشت. او روایت می‌کند مدتی بعد، از آن کار خارج شده و وقتی پشت چراغ قرمز ایستاده بود، فکری دلهره‌آور به ذهنش خطور کرد: «نکند من هم یکی از آن آدم‌هایی باشم که در یک تصادف رانندگی می‌میرند و در واقع تصادف نبوده است؟»